



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲۵ بهمن ۸۹

مصادف با: ۱۰ ربیع الاول ۱۴۳۲

جلسه: ۱۸

موضوع کلی: کتاب کافی

موضوع جزئی: بررسی اشکالات وارده بر اعتبار کافی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

در مورد اعتبار روایات کافی دو اشکال شده بود که این دو اشکال را عرض کردیم. اشکال اول پاسخ داده شد، عمده ترین دلیل اعتبار کافی اذعان خود مرحوم کلینی به صحت روایات کافی بود که در مورد دلالت عبارت ایشان بر مدعا اشکالی شد و شواهدی هم بر آن اشکال ارائه گردید که ما، هم به آن اشکال و هم به آن شواهد پاسخ دادیم.

اشکال دوم بر اعتبار روایات کافی:

این بود که در اخبار کلینی به صحت روایات کافی، در معنای صحت دو احتمال است:

احتمال اول: صحت به این معنا است که روایات کتاب کافی بخاطر وثاقت رؤات آنها فی نفسها واجد شرائط حجیت هستند.

احتمال دوم: صحت به این معنا است که قرائتی وجود دارد که دال بر صحت آن روایات است ولو اینکه روایات این روایات ثقہ نباشند.

اما احتمال اول معلوم العدم است یعنی مسلماً نمی توان گفت که روایات کافی فی نفسها واجد شرائط حجیت هستند.

احتمال دوم هم فایده ای ندارد چون در واقع نوعی حدس است و این برای ما حجت نیست چون ما به این قرائن شناخت نداریم ولو اینکه مرحوم کلینی با اعتماد بر قرائتی این روایات را صحیح دانسته اما ما این قرائن را نمی شناسیم و نمی توانیم بر آنها اعتماد بکنیم. این خلاصه اشکال دوم بود که بر اعتبار روایات کافی وارد شده بود.

پاسخ اشکال دوم:

به نظر می رسد که این اشکال وارد نیست و ما هر دو احتمالی که در مورد صحت داده شده است را پاسخ می دهیم:

بررسی احتمال اول:

در مورد احتمال اول که گفته شد صحت به این معنا است که روایات کافی فی نفسها واجد شرائط حجیت هستند مستشکل گفت: این احتمال مردود است چون مسلماً بعضی از این روایات مشتمل بر ارسال هستند و بعضی از آنها ضعیفند و بعضی از آنها هم، راویان آنها مجهول هستند، اما مسئله این است که روایات کتاب کافی را مرحوم کلینی از کتب و اصول مشهوره اخذ کرده که به این اعتبار نیازی به دقت در سند آنها ندیده؛ این کتابها بخصوص بعضی از آنها مورد اعتماد بودند چون در مورد بعضی از آنها نقل شده که اینها را به ائمه (ع) عرضه کردند و ائمه (ع) آنها را تصحیح و تأیید کردند. با توجه به اینکه مرحوم

کلینی این روایات را از اصول مشهوره اخذ کرده لذا مقبول است. و این مختص به مرحوم کلینی هم نیست بلکه شیخ صدوق و شیخ طوسی و دیگران هم روایات خود را از کتب مشهوره و اصول معتبره اخذ کرده اند.

سؤال: سؤالی که هست این است که چطور است که در بین این روایات با اینکه از کتب مشهوره اخذ شده بعضی از اسنادی که ذکر شده مرسل یا ضعیف یا مجهولند؟ اگر مرحوم کلینی این روایات را از آن اصول اخذ کرده پس چرا بعضی از اسناد روایات کافی مبتلا به مشکلات فوق هستند؟

جواب: در پاسخ به این سؤال گفته‌اند: هدف مرحوم کلینی صرفاً نقل این روایات از کتب مشهوره بوده یعنی در نظر او روایات واجد شرائط حجیت بوده‌اند منتها چون طرق متعددی برای یک روایت وجود داشته و خود مرحوم کلینی به طرق متعدد این روایات را اخذ کرده بود در مقام نقل روایت گاهی از اوقات در بین این طرق دقت نکرده یا ضرورتی ندیده که صرفاً طریق صحیح را ذکر کند یعنی گاهی مثلاً دیده می‌شود که یک روایتی در جاهای مختلف ذکر شده و به طرق مختلف ذکر شده که یک طریق صحیح است و طریق دیگر ضعیف است و یا به صورت مرسل ذکر شده، اما این اشکالات که در بعضی از این طرق دیده می‌شود لطمه‌ای به صحت طریق دیگری که وجود دارد وارد نمی‌کند و چون مرحوم کلینی گاهی به این نحو نقل روایت می‌کردند لذا نتیجه گرفته می‌شود که مرحوم کلینی عمدتاً به واسطه اعتمادی که داشته و این روایات را از کتب معروف و مشهور اخذ کرده آنها را صحیح می‌دانسته لذا در مقام نقل مخصوصاً در جایی که گاهی تکرار هم پیش می‌آمد به این جهت توجه نداشته که حتماً آن طریق صحیح و معتبر را نقل بکند یعنی وقتی اصل خبر به عنوان یک خبر معتبر و صحیح برای ایشان مسلم بوده آن را نقل کرده که گاهی آن را از یک طریق غیر معتبر نقل کرده همانگونه که در گفتگوهای عادی هم این اتفاق می‌افتد مثلاً گاهی اصل یک واقعه مسلم است و وقتی خواسته باشید آن واقعه و حادثه را نقل کنید ممکن است که در جاهای مختلف به استناد منابع مختلف نقل کنید.

یک نمونه را از خود مرحوم کلینی ذکر می‌کنیم که معلوم شود گاهی در مواردی با اینکه طرق متعدد به شخصی وجود داشته ولی مرحوم کلینی بعضی از اوقات همه طرق را نقل می‌کند و گاهی بعضی از آن طرق را نقل می‌کند و گاهی هم هیچ کدام از طرق را نقل نمی‌کند مثلاً از معاویه بن عمار در کتاب الحج ۱۵۰ مورد نقل می‌کند ولی اینها یکسان نیستند، گاهی بدون واسطه از معاویه بن عمار نقل می‌کند و گاهی طریق خودش را به نحو کامل بیان می‌کند، در اکثر موارد مرحوم کلینی طریق خود را به این نحو از معاویه بن عمار ذکر می‌کند: علی بن ابراهیم عن ابیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی عن معاویه بن عمار، آن طریقی که مرحوم کلینی اکثراً در نقل از معاویه بن عمار ذکر کرده همین طریق است، در بعضی از موارد اینطور آورده است که: علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن معاویه بن عمار، در بعضی از موارد هم می‌گویند: علی بن ابراهیم عن ابیه عن صفوان بن یحیی عن معاویه بن عمار^۲، در بعضی از روایات مرحوم

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۸۵، ۴۸۵ و ۴۸۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۳۷.

کلینی اینطور فرموده که: ابن ابی عمیر عن معاویه یا در مورد بعضی از روایات می‌گوید: عنه عن معاویه بن عمار در بعضی موارد هم تفصیل می‌دهد مثل این مورد: علی بن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمیر و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعید عن فضالة بن یعقوب و حماد بن عیسی جميعاً عن معاویه^۱ که یک سند مفصل کاملی را نقل می‌کند. پس مرحوم کلینی گاهی یک طریق را به صورت مختصر ذکر می‌کند و گاهی یک طریق را به صورت مفصل ذکر می‌کند، طریقی را که به صورت مختصر نقل می‌کند خودش انحاء گوناگون دارد گاهی در همان طریق مختصر وسائط متعددی که وجود داشته ذکر می‌شود و گاهی اصلاً ذکر نمی‌شود. آیا در اینگونه موارد که کلینی به طرق مختلف روایات را ذکر کرده می‌توانیم بگوییم که این روایات مرسل است؟

خلاصه جواب احتمال اول:

همانطور که در پاسخ اشکال اول هم عرض کردیم این موارد دلالت نمی‌کند بر اینکه اعتبار این روایات در نزد خود مرحوم کلینی محل اشکال باشد چون اصل اشکال ناظر به این بود که صحت در روایات کافی اگر به این معنا باشد که روایات کافی فی نفسها واجد شرائط حجیتند (یعنی همه روات ثقه هستند) پس با این روایاتی که ذکر شد چه می‌کنید؟ عرض می‌کنیم این روایات و طرق متعددی که برای این روایات است به واسطه اعتمادی که مرحوم کلینی برای نقل و ذکر و اعتماد بر کتب مشهوره داشته‌اند خیلی مورد توجه قرار نگرفته است. مرحوم علامه مجلسی هم بر این مسئله تأکید دارند و این را گفته است. مرحوم کلینی سند خود را متصل به ابن محبوب یا ابن ابی عمیر نقل کرده که این دو نفر از اصحاب کتب مشهوره هستند اما بعضی اوقات سند را ابتداءً با اسم ابن محبوب نقل می‌کند و می‌گوید: عن ابن محبوب کذا یا بخشی از سند را ذکر می‌کند و بخشی را ترک می‌کند که علت این کار این است که این سند را در جایی دیگر در نقل یک روایتی ذکر کرده و حال که دوباره نقل می‌کند آن سند را دوباره بیان نمی‌کند یا مثلاً مرحوم کلینی و شیخ طوسی خبری را در یک جا نقل می‌کنند، سند روایت را تا آن کتاب بیان می‌کنند بعد این روایت را بعینه در یک جای دیگر و با یک سند دیگر نقل می‌کنند حالا اگر فرض کنیم که سند دوم معتبر باشد و سند اول معتبر نباشد آیا می‌توان گفت این روایت دوم معتبر نیست در حالیکه همان روایت اول است که در جای دیگر نقل شده است.

پس اسنادی که مرحوم کلینی برای بعضی از روایات نقل می‌کند و گاهی در آنها ضعف‌هایی دیده می‌شود بخاطر این است که مرحوم کلینی به کتب مشهوره طرق متعددی دارد حالا اگر یک طریقی ضعیف بود آیا می‌توان گفت که آن روایت صحیح نیست؟ این را می‌توان به عنوان یک روش کلی از مرحوم کلینی دانست که ایشان با توجه به اینکه طرق متعددی برای نقل روایات از کتب مشهوره داشته و بعضی از این طرق معتبر و بعضی دیگر ضعیف بوده‌اند اما یک نکته اصلی را ایشان توجه داشته و آن اینکه به این روایات اعتماد کرده چون از کتب مشهوره اخذ کرده و آنها را فی نفسه و با قطع نظر از قرائن صحیح می‌دانسته، پس کل روایات کافی از نظر مرحوم کلینی صحیح می‌باشند ولو اینکه در بین آنها روایات ضعیف و یا مرسل یا

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۳۸.

مجهول هم وجود داشته باشد. البته به خود سند از این جهت که از طریق معتبری روایت ذکر شده و از این جهت که معتمد بر کتب مشهور بوده توجه کافی نکرده که این می‌تواند یک نقصی باشد ولی این دلالت ندارد بر اینکه خود مرحوم کلینی هم معتقد به صحت روایات کافی نبوده است.

نتیجه: به نظر می‌رسد با توجه به آنچه عرض کردیم و با توجه به اینکه مرحوم شیخ طوسی و شیخ صدوق هم بسیاری از روایاتی را که در کتب خود آورده‌اند از کتب مشهوره اخذ کرده‌اند و معتقد به صحت آنها هم بوده‌اند پس اگر امثال شیخ طوسی و شیخ صدوق به کتب مشهوره اعتماد کرده‌اند و معتقد به صحت روایاتی بوده‌اند که از آن کتب اخذ کرده‌اند چرا مرحوم کلینی نتواند به این روش تمسک کند در حالی که به طور یقین اگر ما در مورد شیخ صدوق و شیخ طوسی این روش را پذیرفتیم در مورد کلینی به طریق اولی می‌توان این را ادعا کرد چون هم از نظر زمانی به عصر معصومین نزدیکتر است و هم از جهت ضبط و دقت در نقل حدیث از شیخ صدوق و شیخ طوسی دقیق‌تر بوده و جلوتر است لذا اینکه بعضی از اسناد روایات کافی مشکلات و ضعف‌هایی داشته باشند بنابر اینکه صحت را به معنای اول (صحت فی نفسها) بگیریم لطمه‌ای به اعتقاد خود مرحوم کلینی به صحت روایات کافی نمی‌زند.

بحث جلسه آینده: بررسی احتمال دوم (صحت به معنای وجود قرائنی است که بواسطه آن قرائن مرحوم کلینی روایات کافی را صحیح دانسته است) بحث جلسه آینده خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»